

ساسان زارع، سخنگوی ستاد مردمی جشن ۱۰ کیلومتری غدیر، از پیش‌بینی برگزاری مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر در اسسال با شرکت ۲۲۰۰ موکب و پنج میلیون نفر خبر داد.

وی با بیان این‌که سال گذشته در جشن غدیر تهران ۵۴ هزار خادم مواکب داشتیم، گفت: اتفاق ویژه دیگر که در زنده بودن جامعه ایران و تهران می‌تواند شاخص باشد اهدای ۱۰۰هزار اسباب‌بازی از سوی کودکان تهران به کودکان مناطق محروم

پیش‌بینی

«مهمانی غدیر»

با ۲۲۰۰ موکب

«جام پلاس» این هفته: بررسی موانع و مشکلات کار صنفی در گفت‌وگوی

علی اکبر عبدالعلی‌زاده با پژمان بازغی، رئیس انجمن بازیگران خانه سینما

بیانیه سیاسی صادر نمی‌کنیم!



محمد دشتی گروه فرهنگ و هنر

پژمان بازغی، بازیگر سرشناس تلویزیون و سینمای ایران که تجربه موثقی نیز در عرصه اجرای برنامه‌های تلویزیونی دارد، به عنوان رئیس انجمن بازیگران سینمای ایران توانسته گام‌های مثبت و امیدآفرینی بردارد. در جام پلاس این هفته علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده، نویسنده، منتقد و عضو شورای سردبیری روزنامه جام‌جم در کتابخانه خانه سینما با او درباره مصائب کار صنفی به گفت‌وگو نشسته است. اتفاقات رخ داده در یکی دو سال اخیر خانه سینما که از قضا همزمان با تصدی مسئولیت انجمن بازیگران از سوی پژمان بازغی بوده، اثرگذاری او در تغییر روند صدور بیانیه‌های سیاسی خانه سینما، مسائل صنفی این خانه و همچنین تجارب زیسته او در مسیر ورود به سینما و تلویزیون و برنامه‌های جاری این انجمن برای حمایت از اعضا، ازجمله موضوعاتی است که در این گفت‌وگو بررسی شده است.

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده: پدر جنابایی نظامی بودند و به طور طبیعی شما در شهرهای مختلفی زندگی کرده‌اید. برای شروع می‌خواستم پرسیم از چه زمانی متوجه شدی به بازیگری علاقه داری؟

دوران کودکی من در منطقه جنگی، به دور از فامیل و اقوام و در دیار داغ بوشهر گذشت. بخشی از زندگی ما با سیطنت و فویتال می‌گذشت و چون

پدر، نظامی و به کتاب علاقه‌مند بودند، ما هم ساعاتی را به مطالعه و کتاب‌خواندن می‌گذراندیم. در زمان‌هایی که می‌خواندم با قهرمان‌های داستان همدات‌پنداری می‌کردم و کم‌کم علاقه‌ام به بازیگری شکل گرفت. در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ که سال‌های پایانی دبیرستان را طی می‌کردم، دوماجر اتفاق افتاد که من را بیشتر به ادبیات و هنر علاقه‌مند کرد. اولین عامل دبیر ادبیات‌مان آقای شاعی بود که به رحمت خدا رفته‌اند و برای‌شان آرزوی آرامش و آموزش دارم و دومین عامل نیز همکلاسی‌ام بود که ایشان هم در جوانی از دنیا رفتند؛ آقای امیر بدرطالعی که پدرشان زنده‌یاد احمد بدرطالعی نیز از بازیگران معروف تئاتر گیلان بودند و خانواده بدرطالعی در گیلان معروف هستند. امیر بدرطالعی همکلاسی ما بود و علاقه او به ادبیات و هنر بازیگری باعث شد ما هم کم‌کم جذب این هنر شویم و آن را دنبال کنیم.

از چه زمانی متوجه شدید که پژمان بازغی، یک بازیگر شده و راهی را رفته‌اید که قابل بازگشت نیست؟

حدود سال‌های ۱۳۷۰ که در آن زمان انجمن سینمای جوان، مرجع و محل رجوع علاقه‌مندان به بازیگری بود. البته بخش‌های نمایشی خیلی در شهرستان‌ها فعال نبود و متأسفانه در حال حاضر سینمای جوان در شهرستان‌ها مانند آن دوره فعال نیست. آن دوره در شهرستان‌ها جشنواره‌های منطقه‌ای برگزار می‌شد و زمینه‌ای برای فیلمسازی جوانان فراهم آمده بود. تمرکز کارها مانند دوره حاضر بر پایتخت نبود و علاقه‌مندان می‌توانستند در شهرستان‌ها هم به علائق خودشان بپردازند و کارهایی را که مایل بودند، انجام دهند.

فرداد میرانفر عزیز، کارگردان خوب و دوست‌داشتنی و نادر معصومی عزیز کسانی بودند که من در آن سال‌ها نزدشان شاگردی کردم و فراوان از ایشان موختم. سال ۱۳۷۱ بود که رفت‌وآمد داشتیم و در سینمای جوان فعالیت می‌کردیم و به دیدار بزرگانی مانند ناصر تقوایی می‌رفتم که حضورشان در این جشنواره‌ها برای‌مان خیلی اهمیت داشت و حتی دیدار آنها برای‌مان آن قدر ارزش داشت که خدمت‌شان برسیم و ادای احترام کنیم.

در دهه ۷۰ جلسات فیلم خیلی پربوتق بود!

همین‌طور است! این اتفاق‌ها ادامه داشت تا این‌که من در سال ۱۳۷۱



اولین جمله اساستنامه خانه سینما بعد از ذکر تابعیت جمهوری اسلامی ایران این است که موظفیم شأن و منزلت هنرمندان را حفظ کنیم

یعنی پول برای خرید هر دو تا کتاب نداشتید؟

نه، پولم به آن میزان نبود. کتاب را خریدم و صبح به سینمای جوان رفتم و گفتم می‌خواهم فیلم خاک و گوزن‌ها و سایر آثار آقای کیمیایی را ببینم. آن ایام مثل حالا دسترسی به آرشیو فیلم‌ها راحت نبود و حتی داشتن ویدئو در این مملکت جرم محسوب می‌شد؛ بنابراین بارها ترس‌ورز نوراهی ویدئو رازبر لباس پنهان می‌کردیم، خوب به خاطر دارم که فیلم «خاک» آقای کیمیایی را شب تا صبح چهار بار تماشا کردم و برای این‌که ویدئو بیش از حد داغ نکند، پتکهای را به سمت آن روشن کرده بودم.

یادم هست برای کاهش حرارت دستگاه درش را هم باز می‌کردیم!

بله! اجازه ویدئو هم که داستان و ماجراهای خودش را داشت و بعدها که موسسه رسانه‌های تصویری وابسته به

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد، دسترسی به فیلم‌ها تا حدودی مجازتر شد. این مسیر پیش روی من بود تا این‌که خیلی اتفاقی یکی از بچه‌های سینمای جوان به نام مجید فهیم‌خواه گفت می‌خواهم فیلم بلند بسازم و از من خواست در فیلمش بازی کنم. او چند فیلم کوتاه ۸ و ۱۶ ساخته و جایزه گرفته بود و حالا می‌خواست فیلم بلند و ۳۵ بسازد. خیلی به حوزه بازیگری علاقه‌مند نبودم و بیشتر سینما برایم اهمیت داشت، اما پذیرفتم که در فیلم او بازی کنم.

یعنی به فیلمسازی بیشتر علاقه داشتید؟

بله! البته آن زمان بخش‌های مختلف در سینمای جوان خیلی تفکیک شده نبود و ما وقتی آنجا می‌رفتم تحلیل شخصیت، تدوین، چاپ، ظهور عکس و... یاد می‌گرفتم.

می‌خواهم در ادامه این سؤال را بپرسم که در مسیری که طی کرده‌اید، آیا هدف‌گذاری مشخصی داشته‌اید و برای رسیدن به جایگاهی که در نظر داشته‌اید، چن‌چین‌ه‌اید؟

صد درصد! البته در دوره ما ورود به سینما این قدر سهل و آسان نبود باید تلاش می‌کردیم؛ زحمت می‌کشیدیم و رنج می‌بردیم تا بتوانیم خودمان را ثابت کنیم. در آن دوره منتقدان مانند امروز علاقه‌مند به حضور جوانان در سینما نبودند، باید می‌جنگیدیم، حرف می‌خوردیم و سکوت می‌کردیم و چیزهایی رایاد می‌گرفتم که امروز در سینمای اثر ایران اتفاق نمی‌افتد؛ چیزهایی مانند

بود. زارع با بیان این نکته که درخواست انتقال تجربه این حرکت در عرصه بین‌الملل را داشتیم، افزود: تماس‌های متعددی از کشورهای منطقه به خصوص کشورهای اسلامی و حداقل پنج کشور برای انتقال تجربه جشن غدیر گرفته شد. امسال تمرکز ویژه‌ای روی محتوا کردیم تا جشن غدیری که نماد تدین و ارادت به ساخت مقدس امیرالمومنین(ع) و نماد انسجام و اتحاد اجتماعی است به خوبی برگزار شود.

احترام به بزرگ‌تر، راه و روش کار در سینما و... ازجمله اموری بود که ما آن را یاد می‌گرفتم و در سینمای امروز ایران به بچه‌ها آموزش داده نمی‌شود. به‌نظرم این‌گونه مسائل مهم نیازمند آموزش است و چون به بچه‌ها آموزش

داده نمی‌شود، آسیب‌های خودش را به دنبال دارد. وضعیتی که اسمش را در سینمای مدرن دهه ۷۰ هالیوود هنجارشکنی گذاشته بودند. البته اعتقاد دارم که ما هنجارشکن نیستیم، بلکه نسل جدید آموزش ندیده‌ای داریم که صرفابه شهرت و درآمد فکر می‌کند و امری این است که پسندیده و قابل قبول نیست.

ضمن این که معیارهایی که با آن طول و عرض خودمان را می‌سنجیم،

معیارهای غربی است. به‌طور مثال آن چیزی که ما به‌عنوان نسل «Z» از آن یاد می‌کنیم در ایران آن قدر کم‌تعداد است که اصلا به محاسبه نمی‌آید و در حقیقت تین‌ایج‌هایی هستند که به علت عدم شناخت، نام دیگری روی آنها می‌گذاریم. یک بخشی از این ماجرا به سیاست‌های دولت‌ها بازمی‌گردد.

شما وقتی با نگاه از بالا به پایین یک چیزی را بدون کارشناسی و جایگزین مناسب ممنوع کنید، جامعه و به‌خصوص بخش آموزش دچار یک گسست می‌شود. موضوعی که مسیر هنر را به سمتی پیش می‌برد که ما هم خیلی موافقت نمیستیم، نه دولت‌ها طرفدار آن هستند و نه جامعه آن را می‌پذیرد. این امر درحالی اتفاق می‌افتد که این امور قابل کارشناسی است و آنچه باعث می‌شود این اتفاقات چه در پروانه ساخت، چه در پروانه نمایش و چه در صدور مجوز رخ دهد، نظرات شخصی است که باعث ایجاد مشکل وتوقف در کارهای شود.

واگاهی، «کلیدواژه قیفی است که بسیاری از موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تغییر می‌دهد و تصمیمات و رویه‌ای را به‌وجودمی‌آورد که با آگاهی بخشی، می‌تواند بسیاری از مشکلات رفع و رجوع شود.

این‌که نیروهای جوان روی کار بیایند، امر پسندیده‌ای است، اما با کدام آگاهی؟

جوانان باید یک دوره‌ای را گذرانده باشند. البته در حوزه فرهنگ کمتر با این مشکل مواجه هستیم. چون مدیری که عقبه لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند بیاید و کار کند.

از نگاه من مدیری هر که انتخاب می‌شود باید یک رای محکم و مستقیم داشته باشد. یعنی را‌اش مشروط نباشد و بخواهد از قوه مجریه به قوه مقننه برود و از قوه مقننه به قوه قضاییه برود. یعنی باید یک رای و استقلالی در جایگاهی که در آن قرار می‌گیرد، داشته باشد. مدتی پیش مطلع شدم وزارت آموزش و پرورش از یکی از سریال‌هایی که پخش شده، شکایت کرده است؛ در حالی‌که می‌شود این موضوع ملایین دو وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی و آن وزارتخانه و بین دو وزیر بررسی و حل شود و نخواهد به قوه دیگر ارجاع شود و مسأله پیشش پیدا کند. چون وقتی فیلم و سریال می‌سازیم، اگر چنین حساسیت‌هایی باشد، بالاخره می‌توان موضوعی پیدا کرد که به جایی برخورد باشد و این امر، دست هنرمند را این بندد و باعث می‌شود با محافظه‌کاری و ترس از پرداختن به موضوعات مهم اجتماعی و فرهنگی،

نتواند کار و مسئولیت خودش را به‌درستی انجام دهد.

ضعف‌های کلانی هست که سال‌های سال در باره آن حرف زده‌ایم ولی چرایی حل نشدنش را نمی‌دانیم اما این‌که یک جایی به‌عنوان اتاق جنگ فرهنگی بیشترین همه‌تاریخ را به ما دارد، قابل تامل است. در کنار آن اما یک اتاق جنگی نیست که همه از آن فرمانبری داشته باشند و تصمیمات لازم، آنجا رقم بخورد.

باید توجه داشته باشیم که خودمان هم در میان خودمان اختلاف داریم و این موضوعی است که به ما آسیب می‌زند.

آیا پیش می‌آید که جدای از بحث بازیگری، در حوزه سیاسی هم که ارتباطی با فرهنگ ندارد، اظهارنظر کرده باشید؟

تلاش کرده‌ام اظهارنظر کنم چون حوزه اصلی من بعد از بازیگری، حوزه محیط‌زیستی است که از سال‌های سال برایم مهم بوده است و چون اصالتا شمالی هستم، بحث طبیعت، ساخت‌وسازهای غیرقانونی، تنظیم محیط‌زیست، تنازع بقای حیوانات در حال انقراض و موضوعاتی از این دست دغدغه‌ام است. در حال حاضر تصور فرزند من از گاو ممکن است همان تکه‌گوشت تر و تمیزی باشد که از یک مغازه بزرگ خریداری می‌کند، اما ما که در طبیعت و با آشنایی با حیوانات و گیاهان و دیگر موجودات بزرگ شده‌ایم، آگاهی بیشتر و در نتیجه احساس تعهد زیادتری نسبت به طبیعت داریم. آگاهی دادن خیلی مهم است که ما توجه زیادی به آن نداریم. در طول

سفرهایی که به خارج از کشور داشته‌ام، دقت کرده و متوجه شده‌ام که موزه جای افراد میانسال و بزرگسال مثل من نیست، بلکه این بچه‌ها هستند که در موزه‌های مختلف حاضر می‌شوند و در زمینه‌های مختلف می‌بینند، می‌آموزند و یاد می‌گیرند. اما سؤال این است که من و شما به‌عنوان متولی فرهنگ این مملکت کی دست بچه‌های خودمان را گرفته‌ایم و به موزه برده‌ایم؟ با همین الان که به دلیل وضعیت ارز، گردشگری در کشور رونق گرفته است چقدر در این حوزه سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کنیم تا این محیط‌ها را به خانواده‌ها معرفی کنیم؟ حالا ممکن است تخلفاتی هم صورت بگیرد و عده‌ای به محیط آسیب بزنند اما آیا ما به دلیل تخلف عده‌ای اندک باید گردشگری را تعطیل کنیم؟ پس وظیفه فرهنگ و نقش ما برای آموزش و آگاهی‌سازی چیست و کجا باید آن را جست‌وجو کرد؟

آباد مسیری که طی کرده‌اید، وضعیتی پیش آمده است که برای رسیدن به حق‌تان چن‌چین‌ه‌اید؟

دعا آنکرده‌ام اما حقم خیلی جا‌ها خورده شده است.

ما همیشه از شما نقش‌های آرام دیده‌ایم و نقش‌های اکشن زیادی ایفا نکرده‌اید! مایلم بدانم کاراکتر شخصی شما هم همین‌گونه است یا نه اهل جنگیدن هستی؟

برخورد فیزیکی نمی‌کنم اما این‌گونه نیست که به راحتی از حقم بگذرم، روحیه‌ام نیز روحیه جمعی است و دوست‌دارم در کارهایی که برای جمع مفید

در این کار از مجموعه‌های مردمی که ایده‌هایی داشتند کمک می‌گیریم تا محتوای فرهنگی، اجتماعی داشته باشیم. در همین راستا سال‌گذشته ۲۰۰ ایستگاه فرهنگی برپا شد. وی مشارکت جویی بیشتر مردم را از اهداف دیگر جشن امسال دانست و گفت: تجربه سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد هر اتفاقی را به‌دست مردم سپردیم و ریشه آن را در مجموعه‌های مردمی دیدیم، ماندگار شد و به تکرار نیفتاد.

است، مشارکت کنم.

تعریف شما از خانه چیست؟

از نگاه من خانه محل امن و مکانی برای آرامش است. به‌نظرم اگر هم مشکلی پیش بیاید افراد اهل کل خانه سعی می‌کنند مشکل را بین خودشان حل کنند. مهم‌ترین بخش خانه، امنیت روانی موجود در آن است؛ یعنی خانواده‌ای که امورات‌شان به سختی می‌گذرد در کنار یکدیگر شاد هستند. البته این موضوع در فرهنگ ما از بین رفتن امنیت است. به‌طور مثال چهارشنبه‌سوری تبدیل به یک جنگ خیابانی شده است.

البته حلال‌عبور کرده‌ایم.

نه! به‌نظرم من متولی فرهنگ مملکت باید بنشیند و فکر کند که چرا در آن روز همه می‌خواهند تمام درونیات خودشان را به یک نارنجک تبدیل کنند که هم به خودشان و هم به دیگران آسیب می‌زند و نوعی لجبازی است. در حالی که این شب آیین خودش را دارد. به‌نظر می‌رسد این کار هم اتاق فکر خودش را دارد و البته گاهی کارهای اشتباهی انجام می‌شود که مردم به این امور پشت کنند، مثلاً شب چهارشنبه‌سوری را شب نزدیکی اقوام تبدیل می‌کنند و... این می‌تواند همان ناآگاهی باشد؛ البته بخشی از آن هم ناآگاهی نیست و نهاد‌های فرهنگی رقیب ما برایش برنامه دارند، مدیران را گمراه می‌کنند، ماجرا را به هم می‌زنند و نمی‌گذارند این آب گل‌آلود آرام بگیرد. اگر اجازه بدهید به

برش



تعامل با گفت‌وگو

یکی از برکات صحبت شما در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی این بود که آتش‌ها مقداری خوابید یا این‌طوری عرض کنم که هزینه صدور بیانیه سیاسی بالا رفت و دیگر خیلی کسی نمی‌تواند ای آن بایستد.

یک چیزی عرض کنم. همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم گفتم چرا وزارت آموزش و پرورش باید برود و مستقیماً به قوه قضاییه شکایت کند؟ چه لزومی دارد؟ به غیر از این است که بخواهید یک مجموعه‌ای را زیر سؤال ببرید؟

الان دارید گریز می‌زنید؟

نه. می‌خواهم با مثال توضیح بدهم. خیلی راحت وزیر آموزش و پرورش می‌تواند به وزیر ارشاد گلابه کند و بگوید ما می‌آییم به خانه شما یا شما بیایید به خانه ما تا صحبت کنیم و ببینیم مشکل شما چیست. فرض بفرمایید مقام شاخ معلم در اینجا از بین رفته است؟ وزیر ارشاد بگوید این‌طور نیست، ما مخصوصاً این کار را کردیم تا معلم‌هایی که درحال حاضر این کار را انجام می‌دهند بدانند کار درستی انجام نمی‌دهند. چرا از این زاویه به قضیه نگاه نمی‌کنیم؟

کتاب

برگزاری پوشش کتابخوانی

به مناسبت ایام حج

همزمان با برگزاری مناسک حج و عزیمت زائران به سرزمین خدا و رسول(ص)، هجدهمین پوشش کتابخوانی «کتاب و زندگی» با محوریت کتاب «یار کجاست؟»، کاری از انتشارات رسول آفتاب با کوشش مرکز رسانه‌ای شیرازه کار خود را از ۲۲ خرداد آغاز کرد. یار کجاست؟، سفرنامه‌ای از رحیم مخدومی به عربستان و سفر است که برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسید و توجه رهبر معظم انقلاب را نیز به خود جلب کرد؛ تا جایی که ایشان این سفرنامه را بهترین خودخواند و درخصوص آن نوشتند: «بار دیگر موسم حج شد و وقت انس و معاشقه من با سفرنامه‌های حج، دودکیابی به ضرورت، با مصداقی از «وصف العیش، نصف العیش» و «ماشاء... کان... اما بی‌شک این یکی از بهترین سفرنامه‌های حج است که من خوانده‌ام. اگر نگویم بهترین؛ لطیف، پرنکته، ژرف‌نگر، با روح، موعظه‌آمیز، گویا و همراه با هنرمندی‌های ادیبانه؛ از قبیل زیبایی قلم، همراهی طنز، اشتمال بر تصویر، آمیختگی به خیال و... خلاصه این‌که، نوشته زیبا و شیرینی است.»



نوا

«برده پنهان»

به تالار رودکی می‌آید

هفته‌های پیش رو، تهران و شهرستان‌ها شاهد برگزاری چند کنسرت خواهد بود و هنرمندان موسیقی سعی دارند از فرصت باقیمانده تا محرم و تعطیلی کنسرت‌ها برای ارتباط با مخاطبان خود نهایت استفاده را ببرند. در همین راستا سه هنرمند فعال حوزه موسیقی ایرانی روز جمعه اول تیر کنسرت «برده پنهان» را در تالار



رودکی تهران برگزار می‌کنند.

کنسرت سه‌نوازی علیرضا عقیقی نوازنده تار، کامران منتظری نوازنده سازهای کوبه‌ای و هومن شیرعلی نوازنده عود روز جمعه اول تیر در تالار رودکی تهران برگزار می‌شود.

در توضیحات این کنسرت آمده است: «ما وظیفه خود می‌دانیم که سعی کنیم موسیقی با کیفیت برای مخاطبان علاقه‌مند و آگاه تولید کنیم. به همین ترتیب در این کنسرت تلاش خواهیم کرد ضمن پایبندی بر بستر قواعد موسیقی ایرانی، با استفاده از ریتم‌های متنوع و آهنگسازی و صدایی آن را به شکلی نوین به مخاطب امروزی ارائه دهیم.» در این کنسرت جدیدترین آثار علیرضا عقیقی و هومن شیرعلی در آواز اصفهان و دستگاه شور اجرا می‌شود.

قاب

سردیس باستانی پاریزی

رونمایی می‌شود

رویداد تصویرگری «تا صدسالگی استاد باستانی پاریزی» در باغ موزه نگارستان آغاز به کار می‌کند. همزمان با این برنامه که توسط دبیرخانه همایش «آینه‌دار دوران» برگزار می‌شود، سالن استاد باستانی پاریزی در باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران، روز دوشنبه، ۲۸ خردادماه ۱۴۰۳ افتتاح خواهد شد. این سالن نمایشگاه دائمی آثار هنرمندان شناخته‌شده به یاد استاد محمدابراهیم باستانی‌پاریزی خواهد بود که آن را به مجموعه آینه‌دار دوران اهدا کرده‌اند. همچنین در این رویداد از سردیس باستانی‌پاریزی که توسط احمد عرب‌بیگی ساخته شده، رونمایی خواهد شد.

